

Prosecutor's Lack of Discretion in Violating the Presumption of Innocence for Prosecuting Security Offenses

ID **Vahid Nekounam**

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran (Corresponding Author)
vahid.nekoonam@gmail.com

ID **Saeideh Fakhri**

Master's degree, Department of Law, Faculty of Theology and Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran
saeidehfaxri@gmail.com

Abstract

The issue of illegal immigration and its legal consequences, especially when it involves children and adolescents, is one of the most complex challenges faced by the judicial and protection systems of different countries. In Iran, the significant presence of Afghan children and adolescents in precarious residence situations requires special measures in judicial processes to protect both their legal rights and their best interests. The judgment rendered in one of the cases in the Tehran Children and Juveniles Court is a prime example of the formation of such an approach; a judgment in which the judge, considering the real circumstances of an Afghan teenager in the case, has prioritized his interests and issued a judgment aimed to protect the child's future and dignity.

Journal of Critical Analysis of
Judicial Decisions

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 4 | No 8 | Fall 2025 Winter
2026 (Original Article)

www.Analysis.illrc.ac.ir

DOI:


10.22034/analysis.2025.2073225.1120

This judgment reflects a protection-oriented trend in judicial precedent, demonstrating that it is possible to reconcile residency requirements with human rights necessities and developments in the lives of adolescents. In the content of the judgement, in addition to paying attention to public order and legal regulations, the impact of the judicial decision on the development, education, and possibility of returning or continuing the social life of the juvenile is considered a criterion for assessment, and protective measures have been taken in accordance with these realities. Such an approach not only helps to secure the legal interests of the judicial system, but also guarantees effective implementation of international and moral obligations towards children's rights. The experience of the aforementioned case can provide practical guidance for judges and related agencies to issue decisions, when faced with similar cases, with a realistic perspective based on the best interests of the child that both ensure justice and reduce the vulnerability of the younger generation in immigration situations.

Keywords: Illegal immigration, Afghan juveniles, best interests of the child, residency, juvenile court




نقد و بررسی رای قضایی در خصوص پناهندگان و مهاجران نوجوان: تعارض میان مصلحت نوجوان و قواعد اقامتی یا تابعیت؛ مطالعه موردی: دادگاه اطفال و نوجوانان تهران

وحید نکونام 

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسؤل)

vahid.nekoonam@gmail.com

سعیده فخری 

کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

saeedehfaxri@gmail.com



دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۴ | شماره ۸ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.Analysis.Illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/analysis.2025.2073225.1120

چکیده

مسأله مهاجرت غیرقانونی و پیامدهای حقوقی ناشی از آن، بویژه هنگامی که کودکان و نوجوانان در میان مهاجران باشند، یکی از پیچیده‌ترین چالشهای نظام قضایی و حمایتی کشورهاست. در ایران، حضور قابل توجه کودکان و نوجوانان افغانستانی در وضعیتهای اقامتی نامطمئن، نیازمند تدابیر ویژه‌ای در فرآیندهای قضایی است تا هم حقوق قانونی و هم مصلحت عالی آنان محافظت شود. رأی صادرشده در یکی از پرونده‌های مطرح در دادگاه اطفال و نوجوانان تهران، نمونه‌ای شاخص از شکل‌گیری چنین روی‌کردی است؛ رأیی که در آن قاضی، با توجه به شرایط واقعی نوجوان افغانستانی پرونده، مصلحت او را در اولویت قرار داده و حکم را در راستای حمایت از آینده و کرامت کودک صادر کرده است.

این حکم حاکی از گرایشی حمایت‌محور در رویه قضایی است که نشان می‌دهد امکان آشتی دادن الزامات اقامتی با ضرورت‌های حقوق بشری و تحولات زندگی نوجوانان وجود دارد. در متن رأی، علاوه بر توجه به نظم عمومی و ضوابط حقوقی، میزان تاثیر تصمیم قضایی بر رشد، تحصیل، و امکان بازگشت یا تداوم زیست اجتماعی نوجوان ملاک سنجش قرار گرفته و تدابیر حمایتی متناسب با این واقعیتها اتخاذ شده است. چنین روی کردی نه تنها به تأمین منافع قانونی دستگاه قضایی کمک می‌کند، بلکه ضامن اجرای مؤثر تعهدات بین‌المللی و اخلاقی نسبت به حقوق کودک نیز محسوب می‌شود. تجربه پرونده یادشده می‌تواند راهنمایی عملی برای قضات و دستگاه‌های مرتبط فراهم آورد تا در مواجهه با پرونده‌های مشابه، با نگاهی واقع‌گرایانه و مبتنی بر مصلحت کودک، تصمیماتی صادر کنند که هم عدالت را تأمین سازد و هم از آسیب‌پذیری نسل جوان در موقعیتهای مهاجرتی بکاهد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت غیرقانونی، نوجوانان افغانستانی، مصلحت عالی‌ه کودک، اقامت، دادگاه اطفال و نوجوانان

مقدمه

مهاجرت غیرقانونی اطفال و نوجوانان یکی از مسائل پیچیده حقوقی و اجتماعی است که نظام قضایی با آن مواجه است. نوجوانان مهاجر، بویژه کسانی که از افغانستان وارد ایران شده‌اند، غالباً در شرایط اقامتی نامطمئن و محدودیتهای اجتماعی، آموزشی و روانی قرار دارند. این وضعیت، رسیدگی قضایی به پرونده‌های آنان را حساس و چالش برانگیز می‌کند، زیرا دادگاهها باید هم الزامات قانونی مربوط به اقامت و تابعیت را در نظر بگیرند و هم اصول حمایتی و حقوقی کودکان را رعایت کنند. کنوانسیون حقوق کودک و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، معیارهایی روشن برای حفظ رفاه، رشد اجتماعی، آموزش و کرامت انسانی کودک ارائه می‌دهند. در عمل، تعارض احتمالی میان قواعد اقامتی و نیازهای واقعی نوجوانان مهاجر، یکی از مسائل مهمی است که دستگاه قضایی با آن مواجه می‌شود. رأی صادرشده در پرونده نوجوان افغانستانی در دادگاه اطفال و نوجوانان تهران نمونه‌ای از این تعامل میان قوانین و مصلحت کودک است. انگیزه اصلی این تحقیق، بررسی و تحلیل این رأی به‌عنوان یک مطالعه موردی است تا نشان دهد چگونه ملاحظات قانونی و حقوق کودک در فرآیند رسیدگی به پرونده‌های مهاجران نوجوان مدنظر قرار می‌گیرند و چه ابعادی از مسأله در تصمیم‌گیریهای قضایی مطرح می‌شود.

۱- متن دادنامه

دادنامه صادرشده از سوی شعبه ۳ دادگاه اطفال و نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده

تهران، مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

شاکی: دادرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۹ (نوجوانان) تهران - معاون دادستان

مشتکی‌عنه: آقای ... (اهل افغانستان)

اتهام: ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه

گردش کار: پرونده در خصوص اتهام نوجوان ۱۶ ساله اهل افغانستان و ساکن تهران مبنی بر ورود و اقامت غیرمجاز در خاک ایران برای رسیدگی به مجتمع قضایی شهید فهمیده ارسال شد. پرونده پس از ارجاع و ثبت به این شعبه و انجام تشریفات قانونی، در وقت فوق‌العاده دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفت. دادگاه، پس از بررسی محتویات پرونده، با

استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان، ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی می‌کند.

«رای دادگاه»

در خصوص اتهام نوجوان ۱۶ ساله آقای ... اهل افغانستان و ساکن تهران مبنی بر ورود و اقامت غیرمجاز در خاک ایران، دادگاه با عنایت به دفاعیات مشتکی عنه، همچنین لایحه دفاعیه وکیل، نظر مشاور دادگاه، کیفرخواست صادره، سایر اوراق و محتویات پرونده، رفتار معارض با قانون نامبرده محرز می‌باشد. دادگاه با استناد به بند «ت» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و مواد ۱، ۵، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۱۰، نوجوان را به پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید. در خصوص تصمیم به مجازات تکمیلی اخراج از خاک ایران، در راستای اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون مربوط به وضع مهاجرت و پناهندگان و پروتکل‌های آن و مراقبت از اطفال مهاجر و پناهنده و حمایت بین‌المللی از قواعد مهاجرت، در جهت حمایت مالی از خانواده وی، مجازات تکمیلی طرد از خاک ایران منتفی بوده و مشارالیه به انجام امور بهینه و سازنده مبتنی بر مهارت‌های شخصی نزد صاحب‌کار خود آقای ... که در ایران اقامت دارند، مشایعت گردید. رأی صادره حضوری^۱ و قابل تجدیدنظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران است.]

۲- خلاصه پرونده

پرونده حاضر ناظر بر اتهام ورود و اقامت غیرمجاز یک نوجوان ۱۶ ساله تبعه افغانستان است که در شعبه ۳ دادگاه اطفال و نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران تحت رسیدگی قرار گرفت.

مطابق محتویات پرونده، متهم بدون اخذ مجوز قانونی وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده و در زمان رسیدگی در تهران به همراه برادر بزرگ‌تر خود سکونت داشته است. خانواده وی در یکی از روستاهای استان هرات افغانستان زندگی می‌کنند و در وضعیت معیشتی

۱. برای بررسی آراء حضوری و غیابی، رجوع شود به: «بررسی آرای حضوری و غیابی صادرشده از دادگاه اطفال و نوجوانان: رفع ابهامات»، سالار صادقی و علی صفراورنگی، دوره ۴، شماره ۱۲، آذر ۱۴۰۰، صفحات ۸۲-۹۸

نامناسبی قرار دارند. پدر متهم ۷۰ ساله و بیکار، مادر او ۵۰ ساله و خانه‌دار است. متهم دارای پنج خواهر و برادر است که از میان آنان، یک برادر نیز در تهران به کارگری در حوزه بنایی اشتغال دارد. ارتباط عاطفی متهم با خانواده نزدیک و صمیمی توصیف شده و او خود را مسؤول کمک به معیشت آنان می‌داند.

بر اساس اظهارات ارائه‌شده در جلسه دادرسی، متهم بی‌سواد و فاقد هرگونه تحصیلات رسمی است. او اذعان داشته که همراه با برادرش با هدف یافتن کار و تأمین معاش خانواده به ایران مهاجرت کرده است. وی در زمان بازداشت به عنوان کارگر بنایی در پروژه‌های ساختمانی بیمارستان شهدای تجریش مشغول فعالیت بوده و دستمزد دریافتی خود را همراه با درآمد برادرش به خانواده در افغانستان ارسال می‌کرده است. این اقدام بنا به گفته متهم، تنها راه تأمین نیازهای اولیه خانواده، از جمله هزینه‌های خوراک و درمان والدین سالخورده، بوده است.

متهم در دفاعیات خود عنوان داشته است که اقدام به ورود غیرقانونی نتیجه شرایط دشوار اقتصادی و فشارهای زندگی در افغانستان بوده است. او با پذیرش اشتباه خویش، از دادگاه درخواست کرده تا با توجه به وضعیت سنی، شرایط خانوادگی و نقش حمایتی‌اش در معیشت خانواده، در تصمیم‌گیری نهایی مساعدت و رأفت قضایی لحاظ شود.

۳- تحلیل دادنامه

در این بخش، رای را از منظر نقاط قوت و ضعف مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۳. بررسی نقاط قوت رای

جنبه‌های مثبت رای را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد. این رأی ضمن رعایت دقیق تشریفات قانونی و دادرسی تخصصی ویژه اطفال، به‌طور مستند و شفاف به قوانین داخلی استناد می‌کند و حقوق دفاعی نسبی نوجوانان را محترم می‌شمارد. هم‌زمان، مصلحت طفل و خانواده را مدنظر قرار داده و اصول انسانی و حقوق بین‌الملل را رعایت می‌کند. ساختار دادرسی به‌گونه‌ای طراحی شده که جنبه‌های حمایتی و آموزشی تقویت شده و در اجرای مجازات تکمیلی انعطاف به خرج داده می‌شود، بویژه در مواجهه با دیپورت، روی‌کردی انسانی اتخاذ می‌شود. علاوه بر این، رأی تأکید بر حمایت و اصلاح دارد و جای‌گزین تنبیه صرف می‌شود.

۱-۱-۳. رعایت تشریفات قانونی و دادرسی تخصصی برای اطفال

جوامع مختلف در راستای مقابله با بزهکاری اطفال و نوجوانان، الگوهای متعددی را برای پیش‌گیری و پاسخ‌دهی به این پدیده طراحی و به کار گرفته‌اند (علیپور کیوی و دیگران، ۱۴۰۴: ۱۶۹). ریشه این تنوع در روی‌کردها را می‌توان در تفاوت‌های طبیعی، جسمی و روانی کودکان و نوجوانان نسبت به بزرگسالان جست‌وجو کرد. همین تفاوتها موجب شکل‌گیری تمایزات تقنینی در حوزه‌های کیفری و غیرکیفری شده و تأثیر مستقیمی بر فرآیند دادرسی کیفری گذاشته‌اند. در نتیجه، نظامهای حقوقی به تدریج به سمت ایجاد «الگوی دادرسی کیفری افتراقی برای کودکان و نوجوانان» حرکت کرده‌اند؛ الگویی که با تأکید بر رویکرد حمایتی و تربیتی به جای صرفاً تنبیهی، تلاش می‌کند پاسخهای متناسب با ویژگیهای سنی و روانی این گروه ارائه دهد. این الگو به مرور در اسناد بین‌المللی انعکاس یافته و اکنون به عنوان یک استاندارد جهانی در حال گسترش است (مهر، ۱۳۹۹: ۵۵). به بیان دیگر، تشریفات دادرسی در پرونده‌های اطفال به گونه‌ای طراحی شده است که ضمن تأمین حقوق کودک، از تجاوز به حقوق اساسی دیگران یا جامعه جلوگیری کند. با این حال، دادرسی می‌تواند پس از تعیین نوع و میزان کیفر یا خسارت، با در نظر گرفتن شخصیت، سن بزهکار و عوامل مؤثر در وقوع جرم، نسبت به تخفیف مجازات یا مسؤولیت وی اقدام کند، تا جایی که این تخفیف منجر به تعدی به حقوق محکوم‌له نشود (السان، ۱۳۸۷: ۱۷۶). یکی از اقدامات مثبت در مسیر تخصصی‌سازی فرآیند رسیدگی به جرایم اطفال، استفاده از «مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان» است. بر اساس ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مشاوران دادگاههای اطفال و نوجوانان از میان متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان، اعم از شاغل یا بازنشسته، انتخاب می‌شوند. در تبصره ۲ همان ماده نیز تأکید شده است که در صورت مونث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

امروزه در بسیاری از نظامهای حقوقی، حضور مشاور زن در فرآیند دادرسی کیفری اطفال پذیرفته شده است. زیرا تجربه و حساسیتهای ویژه آنان در درک ویژگیها و ظرافتهای رفتاری کودکان و نوجوانان، می‌تواند کیفیت و اثرگذاری دادرسی را بهبود بخشد (الهام و

منوچهری، ۱۳۹۳: ۴۸). در رأی مورد بررسی نیز رعایت تشریفات قانونی و دادرسی تخصصی برای اطفال مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که پرونده در دادسرای ویژه نوجوانان مطرح و نهایتاً در شعبه دادگاه اطفال مورد رسیدگی قرار گرفته است. همچنین حضور مشاور دادگاه در فرایند رسیدگی، نشان‌دهنده انطباق با ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری و رعایت اصل تخصصی بودن رسیدگی به جرایم اطفال است. این روی کرد علاوه بر انطباق با مقررات داخلی، همسو با اسناد بین‌المللی نیز ارزیابی می‌شود. ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بر ضرورت رعایت دادرسی عادلانه متناسب با شرایط سنی تأکید دارد و قواعد پکن نیز تصریح می‌کند که رسیدگی به جرایم نوجوانان باید در مراجع تخصصی و با استفاده از کارشناسان علوم رفتاری و اجتماعی انجام گیرد. بنابراین آنچه در این پرونده رعایت شده، نه تنها گامی در جهت تحقق الزامات ملی و بین‌المللی در حوزه حمایت از حقوق اطفال است، بلکه می‌تواند به اصلاح و بازپروری نوجوان بزه‌کار یاری رسانده و در عین حال از تضییع حقوق جامعه و بزه‌دیده جلوگیری کند.

۲-۱-۳. استناد دقیق و مستند به قوانین داخلی

از نکات برجسته رأی، استناد روشن و دقیق دادگاه به مقررات داخلی است. در جریان رسیدگی، دادگاه نه تنها به بند «ت» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که امکان اعمال مجازات‌های جای‌گزین و متناسب با شرایط سنی نوجوان را فراهم می‌کند توجه کرده، بلکه مواد ۱، ۵، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۱۰ را نیز مبنای تصمیم خود قرار داده است. چنین شیوه‌ای سبب می‌شود رأی از پشتوانه قانونی محکم برخوردار باشد و از منظر شکلی و ماهوی قابلیت دفاع و بررسی در مراحل بالاتر را پیدا کند. اهمیت این استنادات در آن است که هر یک بُعدی از موضوع را تقویت می‌کنند. بند «ت» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ناظر به شرایط خاص نوجوانان است و نشان می‌دهد دادگاه به اقتضائات سنی و شخصیت متهم توجه داشته و تصمیم خود را در چارچوب عدالت افتراقی اتخاذ کرده است. ماده ۱ قانون ۱۳۱۰ به اصل ضرورت داشتن مدارک قانونی برای ورود و اقامت اتباع خارجی اشاره دارد و به این ترتیب مبنای قانونی اتهام روشن شده است. ماده ۵ همان قانون ضمانت اجرایی برای تخلف از مقررات اقامت پیش‌بینی می‌کند و پایه تعیین کیفر در این پرونده محسوب

می‌شود. ماده ۱۱ به نحوه رسیدگی و نوع مجازات‌های مقرر برای متخلفان پرداخته و استناد به آن بیانگر رعایت الزامات شکلی در فرآیند دادرسی است. ماده ۱۳ بیشتر جنبه سیاست‌گذاری دارد و وظایف مراجع ذی‌ربط در کنترل و نظارت بر اتباع خارجی را مشخص می‌کند؛ دادگاه با تمسک به این ماده نشان داده که تصمیم قضایی خود را در هماهنگی با سیاست‌های کلان مهاجرتی کشور قرار داده است. در نهایت، ماده ۱۵ قانون ۱۳۱۰ درباره مجازات‌های تکمیلی از جمله اخراج اتباع خارجی است و دادگاه با در نظر گرفتن این ماده و همزمان با تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه حمایت از کودکان و پناهندگان، از صدور حکم اخراج خودداری کرده است. به این ترتیب، رأی صادرشده نه تنها بر پایه اصول و مواد مشخص قانون مجازات اسلامی و قانون ورود و اقامت اتباع خارجی بنا شده، بلکه نشان‌دهنده توجه دادگاه به هر دو جنبه حمایتی و حاکمیتی است؛ از یک سو حقوق متهم نوجوان را مدنظر داشته و از سوی دیگر به ملاحظات نظم عمومی و مصالح کشور توجه کرده است. این دقت در استناد به مواد قانونی گویای رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز اصل شفافیت و قابلیت پیش‌بینی تصمیم قضایی است که از ارکان اساسی یک دادرسی منصفانه به شمار می‌رود.

۳_۱_۳. رعایت حقوق دفاعی نسبی نوجوان

تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست جنایی، با درک اهمیت صیانت از حقوق کودکان متهم و با توجه به الزامات و توصیه‌های اسناد بین‌المللی، رویکردی ویژه نسبت به حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری برای این گروه از بزهکاران اتخاذ کرده‌اند (مهدوی‌ثابت و عبدیان، ۱۳۹۷: ۶۱). این رویکرد، در راستای تضمین اصل برائت، حقوق دفاعی و رعایت کرامت انسانی کودکان و نوجوانان، همسو با روح و متن اسناد بین‌المللی بویژه مقررات پکن تدوین شده است.

ماده ۱/۱۵ مقررات پکن به صراحت بیان می‌دارد که نوجوانان در جریان دادرسی حق دارند توسط یک مشاور حقوقی نمایندگی شوند و در صورت وجود معاضدت حقوقی رایگان در کشور، از این حق بهره‌مند شوند. این اصل، به عنوان یک استاندارد جهانی، اهمیت فراهم آوردن امکان دفاع مؤثر را برای متهمان کم‌سن و سال مورد تأکید قرار می‌دهد (نکونام، ۱۴۰۰: ۱۴۶). در نظام حقوقی ایران نیز، این رویکرد با انعکاس در ماده ۴۱۵ قانون آیین

دادرسی کیفری به صورت قانونی درآمده است. این ماده، بر لزوم تعیین وکیل تسخیری برای اطفال و نوجوانان در جرایم مهم تأکید کرده است، به گونه‌ای که تضمین‌کننده حق دفاع و جلوگیری از تضییع حقوق متهمان کم‌سن باشد. اهمیت این ماده در این است که ضمن رعایت اصل «برخورداری از دفاع» (اصل ۳۵ قانون اساسی)، زمینه را برای اعمال عدالت افتراقی و رعایت ملاحظات سنی فراهم می‌آورد. در عین حال، در خصوص جرایم کم‌اهمیت درجه هفت و هشت، که از نظر حقوق عرفی می‌توان آنها را معادل جرایم اخلاقی دانست، الزام قانونی به حضور وکیل وجود ندارد و حسب ماده مزبور، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند از وی دفاع کند. این تمایز، بازتاب‌دهنده نگاه واقع‌بینانه قانون‌گذار است که با توجه به اهمیت نوع جرم و منابع موجود، تصمیم‌گیری متناسب را ممکن می‌سازد (بهبودی و عارف، ۱۳۹۸: ۳۳). در این پرونده، یکی از ابعاد قابل توجه و مهم، رعایت حقوق دفاعی نوجوان است که دادگاه با دقت و حساسیت لازم به آن پرداخته است. حضور وکیل تسخیری و ارائه لایحه دفاعیه توسط وی نقش کلیدی در تضمین تحقق حق دفاع ایفا کرده و این امر علاوه بر جنبه شکلی، از منظر ماهوی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. چنین اقدامی نشان‌دهنده التزام دادگاه به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و نیز اصول بین‌المللی حاکم بر حقوق کودک، از جمله الزامات مقرر در مقررات پکن، است. فرآیند ارائه لایحه دفاعیه فرصتی ارزشمند برای نوجوان فراهم کرده تا بتواند دیدگاهها، توضیحات و دلایل خود را به‌طور کامل و مستدل در جریان دادرسی مطرح کند. این فرآیند نه تنها تحقق عدالت شکلی را تضمین می‌کند، بلکه از منظر عدالت ماهوی نیز نقش اساسی دارد و امکان تصمیم‌گیری آگاهانه بر پایه بررسی جامع مدارک را فراهم می‌آورد. همچنین، توجه دادگاه به دفاعیات و مستندات ارائه‌شده نشان‌دهنده رعایت اصل «برائت» و حق دسترسی به دفاع مؤثر است که از ارکان بنیادین یک دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. با تحلیل محتوای پرونده می‌توان دریافت که دادگاه با رعایت چارچوبهای قانونی و توجه به حقوق دفاعی متهم نوجوان، اقدام به صدور رأی کرده است. این رویکرد نه تنها تضمین‌کننده حقوق فردی نوجوان است، بلکه مشروعیت و اعتبار فرآیند قضایی را نیز تقویت می‌کند و گواه آن است که دادرسی در پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان صرفاً محدود به اجرای قانون نیست، بلکه با درنظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، انسانی و حمایتی

همراه است. از جنبه تحلیلی، رعایت حقوق دفاعی نوجوان در چنین پرونده‌هایی اهمیت مضاعفی دارد، زیرا ماهیت جرم و ویژگیهای سنی متهم اقتضا می‌کند که فرآیند دادرسی علاوه بر انطباق با مقررات قانونی، دارای روی‌کردی حمایتی و تربیتی نیز باشد. این امر در نظام کیفری اطفال و نوجوانان اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند، چرا که هدف نهایی تنها اعمال مجازات نیست، بلکه اصلاح، بازپروری و پیش‌گیری از تکرار جرم نیز مدنظر است. بنابراین، فراهم کردن زمینه دفاع مؤثر برای نوجوان نه تنها یک الزام قانونی، بلکه ضرورتی اساسی در تحقق عدالت کیفری و حمایت از حقوق بشر به شمار می‌آید.

۴-۱-۳. توجه به مصلحت طفل و خانواده

توجه به مصالح عالی‌ه کودکان و نوجوانان در تدوین سیاست جنایی کارآمد، بخشی از روند توسعه پایدار و تحقق منافع ملی هر کشور به شمار می‌آید. در همین راستا، اتخاذ شیوه‌های رسیدگی افتراقی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مؤلفه‌های اساسی در نظام عدالت کیفری محسوب می‌شود (پروین و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۴۰۴: ۵). تحقق این هدف، مستلزم آن است که مصلحت کودک در تمامی برنامه‌ها و سیاستهای عمومی دولت در سطوح ملی و محلی و در سه حوزه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی، بویژه در فرآیند تخصیص منابع مالی، مورد توجه جدی قرار گیرد. بر این اساس، هنگام اتخاذ تصمیمات کلان یا موردی، ضروری است اطلاعات جامع و دقیقی از پیامدها و روی‌دادهایی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی کودکان تأثیر می‌گذارند، در اختیار تصمیم‌گیرندگان باشد. در این میان، نقش قوه قضاییه و بویژه قضات از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا تصمیمات آنان می‌تواند سرنوشت فردی و اجتماعی کودک را تحت‌تأثیر قرار دهد. از این رو، قضات باید آموزشهای تخصصی لازم را در زمینه حقوق کودک فراگیرند و مهارتهای ارتباطی مؤثر با این گروه سنی را کسب کنند تا بتوانند با درک بهتر شرایط روانی و اجتماعی آنان، از روشهای صحیح حقیقت‌یابی استفاده کرده و تصمیماتی عادلانه و متناسب با مصالح عالی‌ه کودک اتخاذ کنند (عابدینی و مشکئی‌یاف، ۱۴۰۰: ۱۸۶). در پرونده حاضر، دادگاه پس از بررسی جامع مدارک، دفاعیات متهم، لایحه وکیل، نظر مشاور و کیفرخواست صادرشده، ورود و اقامت غیرمجاز

نوجوان ۱۶ ساله اهل افغانستان در کشور را محرز دانسته است. بر اساس قوانین جاری از جمله بند «ت» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد مرتبط قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران و اصلاحات بعدی آن، دادگاه اقدام به صدور رأی کرده است. با این حال، نکته مهم در این تصمیم، تأکید دادگاه بر مصلحت طفل و خانواده وی است. با وجود اثبات تخلف، دادگاه از اجرای مجازات تکمیلی اخراج صرف نظر کرده که این تصمیم نه تنها بر اساس مقررات داخلی، بلکه در راستای اصل مصلحت کودک مندرج در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ اتخاذ شده است. این اصل بر این نکته تأکید دارد که در تمام تصمیم‌گیریها و اقدامات قضایی و اجرایی، مصلحت کودک باید اولویت داشته باشد. چنین روی‌کردی، نشان‌دهنده تعهد ایران به رعایت تعهدات بین‌المللی خود در حمایت از حقوق کودک و پناهنده است. عدم اخراج نوجوان و خانواده‌اش علاوه بر رعایت مصلحت وی، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز تصمیمی منطقی و انسانی تلقی می‌شود. اخراج می‌توانست موجب آسیبهای عمیق روانی، اجتماعی و مالی برای کودک و خانواده‌اش شود، امری که دادگاه با در نظر گرفتن آن، از صدور این مجازات صرف نظر کرده است. این تصمیم، اهمیت آموزش قضات در حوزه حقوق کودک را آشکار می‌سازد، چرا که شناخت ابعاد انسانی و حقوقی پرونده نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب راهکار عادلانه دارد. به‌رغم محرز بودن تخلف، دادگاه تصمیم گرفته است که مجازات اخراج را اعمال نکند. این روی‌کرد نه تنها با اصل مصلحت کودک در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ همسو است، بلکه با ملاحظات جلوگیری از آسیب اجتماعی و اقتصادی به خانواده نیز سازگار است. نتیجه این تصمیم، حفظ مصلحت طفل و خانواده است و نشان می‌دهد که در قضاوت، دادگاه صرفاً به اجرای قواعد کیفری اکتفا نکرده، بلکه با روی‌کردی جامع و اخلاقی، به حمایت از منافع بلندمدت کودک و خانواده‌اش توجه کرده است. در مجموع، این رأی نمونه‌ای ارزشمند از تلفیق عدالت کیفری و مصلحت کودک است و می‌تواند الگویی مناسب برای تصمیم‌گیریهای آینده باشد. بدین ترتیب، دادگاه با تأکید بر ارزشهای حقوقی، اخلاقی و انسانی، نشان داده است که تحقق عدالت در نظام قضایی نیازمند توجه ویژه به مصلحت کودک و خانواده است، امری که هم در متن قانون و هم در تعهدات بین‌المللی کشور پیش‌بینی شده است.

۵-۱-۳. رعایت اصول انسانی و حقوق بین الملل

در این پرونده، دادگاه ضمن توجه به مستندات پرونده و دفاعیات ارائه شده، تصمیم خود را با در نظر گرفتن موازین قانونی داخلی و تعهدات بین المللی کشور اتخاذ کرده است. دادگاه با استناد به کنوانسیونها و پروتکل‌های بین المللی مرتبط با وضعیت مهاجرت و پناهندگان، بویژه مقررات حمایت از اطفال مهاجر و پناهنده، از صدور مجازات تکمیلی اخراج خودداری کرده است. این رویکرد نشان دهنده توجه ویژه دستگاه قضایی به همسویی تصمیمات داخلی با اصول و معیارهای پذیرفته شده در حقوق بین الملل است. توجه به چنین اصولی، نه تنها اجرای مقررات کیفری را تکمیل می کند، بلکه رویکردی انسانی و عدالت محور را نیز به نمایش می گذارد که مصلحت طفل و خانواده او را در اولویت قرار می دهد. این تصمیم، نمونه‌ای آشکار از تلفیق عدالت کیفری با احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق کودک است و نشان می دهد که دادگاه در این پرونده فراتر از الزام صرفاً قانونی، به جنبه‌های اخلاقی و انسانی قضیه توجه کرده است. بر این اساس، می توان گفت که دادگاه با اتخاذ این تصمیم، اصول حقوق بشر و استانداردهای بین المللی را رعایت کرده و تلاش کرده است تا قوانین داخلی را با تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حمایت از کودکان و پناهندگان هماهنگ سازد. این رویکرد، هم از بعد حقوقی و هم از منظر اخلاقی، نمونه‌ای روشن از اجرای عدالت در چارچوب حقوق بین الملل و ارزشهای انسانی به شمار می آید.

۶-۱-۳. تقویت جنبه‌های حمایتی و آموزشی در ساختار دادرسی اطفال

در پرونده نوجوان ۱۶ ساله افغان، دادگاه رویکردی فراتر از قضاوت صرف کیفری اتخاذ کرده و تصمیمی حمایت محور و اصلاحی را برگزیده است. هرچند اتهام ورود و اقامت غیرمجاز نوجوان محرز شده بود، دادگاه برخلاف رویه‌های تنبیهی معمول، از اجرای مجازات تکمیلی اخراج صرف نظر کرد و او را به انجام فعالیتهای سازنده مبتنی بر مهارتهای فردی نزد صاحب کار معرفی کرد. این تصمیم نشان دهنده توجه ویژه دادگاه به جنبه‌های تربیتی و بازپرورانه در دادرسی اطفال است، زیرا فلسفه حاکم بر رسیدگی به پرونده‌های کودکان و نوجوانان بر اصلاح، تربیت و پیش گیری از ارتکاب مجدد جرم تأکید دارد و هدف آن فراهم آوردن فرصتهای رشد و سازندگی است. این تصمیم با تکیه بر اصول حقوق کودک

و الزامات بین‌المللی، بویژه ملاحظات مندرج در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، اتخاذ شده است. اصل مصلحت طفل، که در این کنوانسیون تصریح شده، بر این نکته تأکید دارد که در تمامی تصمیم‌گیریها و اقدامات قضایی مصالح و منافع کودک باید در اولویت قرار گیرد. در این پرونده، دادگاه با در نظر گرفتن شرایط ویژه نوجوان و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از اخراج، کوشیده است تا حداکثر حمایت ممکن را از وی و خانواده‌اش فراهم آورد. دادگاه با فراهم کردن زمینه‌ای برای یادگیری مهارت‌های فردی و حرفه‌ای، نه تنها به توانمندسازی نوجوان کمک کرده، بلکه با این رویکرد، احتمال ارتکاب مجدد تخلف را کاهش داده و جایگاه او را در جامعه ارتقا داده است. چنین تصمیمی، علاوه بر ارزش اصلاحی و تربیتی، بازتابی از تعهد جمهوری اسلامی ایران به رعایت استانداردهای بین‌المللی در حوزه حقوق کودکان و پناهندگان محسوب می‌شود. استناد دادگاه به کنوانسیونها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط، بویژه کنوانسیون حقوق کودک، نشان‌دهنده همسویی میان قوانین داخلی و معیارهای بین‌المللی است و این امر تلاش دستگاه قضایی برای اجرای عدالت با رویکردی انسانی و حمایتی را آشکار می‌سازد. به این ترتیب، تصمیم دادگاه نمونه‌ای موفق از ترکیب عدالت کیفری با فرصت‌های آموزشی، تربیتی و توانمندسازی محسوب می‌شود که می‌تواند الگوی مناسبی برای رسیدگی به پرونده‌های مشابه باشد. این پرونده نشان می‌دهد که در نظام دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان، هدف صرفاً اعمال مجازات نیست، بلکه ایجاد فرصت‌های رشد، بازپروری و توانمندسازی باید در کانون تصمیمات قضایی قرار گیرد. چنین رویکردی تحقق واقعی اصل مصلحت طفل و تقویت جنبه‌های آموزشی و حمایتی در روند دادرسی اطفال را به خوبی نمایان می‌سازد.

۷-۱-۳. انعطاف در اجرای مجازات تکمیلی و رویکرد انسانی در برابر اخراج

آنچه این پرونده را از یک رسیدگی صرفاً کیفری متمایز می‌سازد، تصمیم دادگاه در خصوص مجازات تکمیلی اخراج از کشور است. برخلاف رویه‌های معمول در چنین مواردی که غالباً اخراج از کشور اعمال می‌شود، دادگاه با لحاظ مجموعه‌ای از ملاحظات انسانی، اجتماعی و حقوقی، مجازات اخراج را منتفی اعلام کرد و به جای آن، متهم را به انجام فعالیتهای سازنده و مبتنی بر مهارت‌های فردی نزد صاحب‌کار خود معرفی کرد. این رویکرد

نشان‌دهنده توجه دادگاه به جنبه‌های تربیتی و حمایت‌محور در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان است و از جنبه‌های مختلف دارای وجاهت حقوقی است. از منظر حقوق بین‌الملل، تصمیم دادگاه با اصول مندرج در کنوانسیون مربوط به وضع مهاجرین و پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل‌های الحاقی آن هماهنگی کامل دارد. این کنوانسیونها تأکید دارند که اخراج یا بازگرداندن افراد نباید با خطر نقض حقوق بنیادین آنان یا مواجهه آنان با شرایط غیرانسانی همراه باشد، بویژه در مورد اطفال و نوجوانان که به حمایت ویژه نیاز دارند. اصل «عدم بازگرداندن»^۱ و اصل مصلحت طفل، دو رکن اساسی در حمایت بین‌المللی از مهاجران و پناهندگان است که در تصمیم دادگاه به وضوح منعکس شده است. شرایط بحرانی حاکم بر کشور افغانستان و خطرات جبران‌ناپذیر بازگشت اجباری کودکان و نوجوانان از دلایل کلیدی دادگاه در اتخاذ چنین تصمیمی بوده است. این اقدام، علاوه بر رعایت تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق پناهندگان و حمایت از اطفال مهاجر، نشان‌دهنده یک رویکرد انسانی و واقع‌بینانه در فرآیند دادرسی است. توجه دادگاه به شرایط ویژه متهم و مصلحت بلندمدت وی، مصداق بارز اجرای اصل مصلحت طفل است که در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های الحاقی آن پیش‌بینی شده است. از منظر حقوق کیفری و عدالت قضایی، می‌توان گفت دادگاه توانسته است میان الزام قانونی به مجازات و ضرورت رعایت حقوق بنیادین اطفال، تعادلی دقیق و اخلاقی برقرار کند. تصمیم اتخاذشده نه تنها عدالت کیفری را محقق ساخته، بلکه بُعد تربیتی، حمایتی و بازپرورانه را در فرآیند رسیدگی برجسته کرده است. از این منظر، این تصمیم می‌تواند الگویی ارزشمند برای پرونده‌های مشابه محسوب شود و مسیر آینده دادرسی اطفال و نوجوانان را با رعایت کامل حقوق بین‌الملل و اصول حمایت از پناهندگان هموار سازد.

۸-۱-۳. تمرکز بر حمایت و اصلاح به جای تنبیه صرف

رای دادگاه در این پرونده، با وجود احراز جرم ورود و اقامت غیرمجاز، رویکردی اصلاح‌محور و حمایتی را اتخاذ کرده و تمرکز صرف بر جنبه کیفری را کنار گذاشته است. این تصمیم منطبق با اصول حاکم بر دادرسی اطفال است که فراتر از تنبیه، بر بازتوانی، تربیت و حمایت مؤثر از نوجوان تأکید دارد. دادگاه با تعیین مجازات نقدی، رعایت قانون را

^۱. Non-Refoulement

به‌روشنی اعمال کرده و در بخش مجازات تکمیلی، به جای رویه رایج اخراج، با در نظر گرفتن ملاحظات انسانی و اجتماعی، تصمیمی اتخاذ کرده که ماهیت اصلاحی دارد. این روی کرد نشان‌دهنده توجه به اصول ویژه دادرسی اطفال است که هدف اصلاح رفتار و بازتوانی نوجوان را در اولویت قرار می‌دهد. از دیدگاه حقوقی، چنین تصمیمی با اهداف کلی نظام کیفری اطفال همسوست؛ زیرا علاوه بر تأمین عدالت، اصلاح و بازپروری را محور فرآیند می‌داند. این رأی نمونه‌ای از مداخله قضایی مبتنی بر حمایت و اصلاح به جای تنبیه صرف است و اهمیت ایجاد تعادل میان الزام به اجرای قانون و رعایت حقوق بنیادین متهمان، بویژه نوجوانان، را برجسته می‌سازد. روی کرد اتخاذشده می‌تواند الگویی مؤثر برای پرونده‌های مشابه باشد و نشان‌دهنده نگرش انسانی و واقع‌بینانه نظام قضایی در مواجهه با اطفال و نوجوانان متهم است. این تصمیم نه تنها عدالت کیفری را تأمین می‌کند، بلکه بر بازتوانی و آموزش اجتماعی نوجوان نیز تأکید دارد.

۲-۳. بررسی نقاط ضعف رای

با وجود جنبه‌های مثبت رأی، چند نکته قابل نقد در آن مشاهده می‌شود که لازم است به هر یک از آنها پرداخته شود. نخست، ابهام در مشروعیت معرفی نوجوان به کارفرما، زیرا دادنامه چارچوب قانونی مشخصی برای این اقدام تعیین نکرده و این امر می‌تواند شائبه «کار اجباری» یا «کار کودک» را ایجاد کند. دوم، ابهام در جای‌گزین مجازات؛ هرچند دادگاه مجازات اخراج را منتفی دانسته، اما سازوکار و زمینه قانونی برای تأمین اقامت قانونی نوجوان مشخص نشده است، که این امر می‌تواند موجب عدم تضمین حقوق و امنیت او شود. سوم، مجازات نقدی تعیین‌شده برای نوجوان بی‌درآمد، در عمل بار مالی را بر خانواده تحمیل می‌کند و می‌تواند آسیب اقتصادی بیشتری ایجاد کند. در تحلیل این دادنامه، هر یک از این موارد به‌طور جداگانه بررسی و نقد خواهد شد تا ابعاد حقوقی و اجتماعی آنها روشن گردد.

۱-۲-۳. ابهام در مشروعیت معرفی به کارفرما

رأی صادرشده از دادگاه اطفال و نوجوانان، نوجوان متهم را به انجام امور سازنده نزد یک کارفرما معرفی کرده است. با این حال، دادنامه هیچ‌گونه چارچوب قانونی، قراردادی یا حمایتی مشخص برای این اقدام تعیین نکرده است. این امر حاوی نکات مهمی است که از منظر حقوقی و اجتماعی نیاز به بررسی دقیق دارد.

اولاً، نبود شفافیت در تعیین شرایط و حدود معرفی نوجوان، می‌تواند موجب برداشتهای نادرست و ایجاد شک و شبهه در خصوص ماهیت این اقدام شود و حتی احتمال برداشتهایی از نوع «کار اجباری» یا «کار کودک» را افزایش دهد. این موضوع با ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک و مقررات داخلی ایران در زمینه ممنوعیت کار کودکان مغایرت دارد. کنوانسیون حقوق کودک بر ضرورت حمایت از کودکان در برابر کارهای خطرناک و بهره‌کشی تأکید دارد و الزامات مشخصی برای اشتغال کودکان پیش‌بینی کرده است که باید در تصمیمات قضایی رعایت شوند. فقدان چنین مواردی در رأی دادگاه، جای تردید جدی ایجاد می‌کند.

ثانیاً، در صورت فقدان سازوکار نظارتی و حمایتی، این معرفی می‌تواند نوجوان را در معرض سوءاستفاده یا استثمار قرار دهد. نبود تعیین مسؤولیتها، محدودیتها و حقوق نوجوان، امکان نقض حقوق او را افزایش می‌دهد. اصل مصلحت کودک (اصل ۳ قانون اساسی و ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک) ایجاب می‌کند که در همه تصمیمات، منافع و امنیت کودک در اولویت قرار گیرد. با این حال، رأی صادرشده فاقد شفافیت و تضمینهای اجرایی لازم برای تحقق این اصل است.

ثالثاً، اقدام دادگاه در معرفی نوجوان به کارفرما بدون پیش‌بینی یک چارچوب قانونی مشخص، می‌تواند مغایر با اصول بنیادین حمایت از کودک تلقی شود. آثار اجتماعی این امر نیز قابل توجه است؛ از جمله امکان بهره‌کشی اقتصادی، آسیبهای جسمی و روانی، و خدشه به حق آموزش و تربیت نوجوان. به علاوه، این تصمیم ممکن است به جای فراهم آوردن فرصت بازپروری، زمینه استثمار و تضعیف جایگاه حقوقی نوجوان را فراهم کند.

در نهایت، از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق کودک، اتخاذ چنین تصمیمی بدون تعیین سازوکار نظارت و حمایت، با اصول حمایت از کودکان، بویژه کودکان مهاجر یا پناهنده، در تضاد است. دادگاهها نه تنها وظیفه رسیدگی کیفی دارند، بلکه باید نسبت به وضعیت اجتماعی و حقوقی نوجوانان نیز مسؤولیت داشته باشند و چارچوبهای قانونی و حمایتی لازم را لحاظ کنند. فقدان این چارچوبها در رأی حاضر نشان می‌دهد که گرچه تصمیم دادگاه با هدف حمایت از نوجوان اتخاذ شده، اما از نظر شفافیت، رعایت حقوق و تضمین مصلحت کودک نیازمند بازنگری و تکمیل است.

۲-۲-۳. ابهام در جای‌گزین مجازات

در رأی، دادگاه با این استدلال که مجازات تکمیلی اخراج از خاک ایران باید منتفی شود، اقدام قابل توجهی در جهت رعایت مصلحت کودک انجام داده است. با این حال، در عین حال، نکته بسیار مهم و قابل توجه این است که دادگاه هیچ سازوکار قانونی مشخص و شفافی برای تأمین اقامت قانونی نوجوان تعیین نکرده است. این خلأ در رأی، پیامدهای جدی حقوقی و اجتماعی به همراه دارد؛ زیرا پس از پایان مراحل قضایی، وضعیت اقامتی نوجوان نامشخص باقی خواهد ماند و او را در معرض مخاطرات و آسیبهای مختلفی قرار می‌دهد. از منظر حقوق بین‌الملل و اسناد حمایت از کودکان و پناهندگان، بویژه کنوانسیون مربوط به وضعیت مهاجران و پناهندگان و پروتکل‌های الحاقی آن، حفظ امنیت و وضعیت قانونی اقامت کودکان مهاجر یک ضرورت انکارناپذیر است. فقدان یک سازوکار روشن برای اقامت، نه تنها با اصول حمایت از حقوق کودک مغایرت دارد، بلکه می‌تواند موجب بروز تبعات منفی گسترده‌ای شود، از جمله بی‌خانمانی، محرومیت از تحصیل، کاهش دسترسی به خدمات بهداشتی و حمایتی، و آسیبهای روانی و اجتماعی. بر اساس قوانین داخلی کشور، بویژه مواد ۱، ۵، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن، پیش‌بینی و تعیین وضعیت قانونی اقامت اتباع خارجی الزامی است. عدم توجه به این موضوع در رأی، به معنای وجود یک خلأ قانونی است که می‌تواند وضعیت حقوقی نوجوان را آسیب‌پذیر کند. این مسأله همچنین می‌تواند باعث ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در زندگی وی شود و از تحقق کامل اصل مصلحت عالی کودک جلوگیری کند. به طور کلی، با وجود این که دادگاه توجه خود را به ملاحظات انسانی و حمایت از خانواده نوجوان نشان داده و مجازات اخراج را لغو کرده، اما عدم تعیین سازوکار مشخص برای اقامت قانونی وی، یکی از ضعفهای اساسی رأی محسوب می‌شود. این خلأ قانونی نیازمند اصلاح و توجه جدی در تصمیمات قضایی آتی است تا علاوه بر رعایت عدالت، از بروز پیامدهای منفی اجتماعی و حقوقی برای کودکان مهاجر جلوگیری شود و اصل حمایت از کودک به صورت کامل رعایت شود.

۳_۲_۳. مجازات نقدی برای نوجوان بی درآمد

صدور حکم به پرداخت جریمه نقدی برای نوجوانی که هیچ منبع درآمد مشخصی ندارد، موضوعی است که هم از نظر حقوقی و هم از نظر اجتماعی جای بحث فراوان دارد. در پرونده‌ای که مطرح است، دادگاه نوجوان را به پرداخت پنج میلیون ریال جریمه محکوم کرده، اما در متن رأی هیچ اشاره‌ای به وضعیت مالی او یا خانواده‌اش نشده است. همین موضوع باعث می‌شود بار اصلی مجازات در عمل بر دوش خانواده قرار گیرد و آنها ناخواسته تحت فشار اقتصادی بیشتری قرار بگیرند. اگر اصول عدالت کیفری و حقوق کودک را در نظر بگیریم، روشن است که مجازات باید متناسب با شرایط فرد باشد؛ بویژه وقتی صحبت از افراد زیر هجده سال است. نوجوان نه تنها درآمد مستقل ندارد، بلکه هنوز در مرحله‌ای از زندگی است که نیاز به حمایت و هدایت دارد. بنابراین، تحمیل جریمه نقدی بدون توجه به شرایط او، در واقع نادیده گرفتن همین واقعیت ساده است و مسؤولیت آن عملاً به خانواده منتقل می‌شود. از سوی دیگر، رویکرد حمایتی و اجتماعی ایجاد می‌کند که در مواجهه با کودکان و نوجوانان، تنها به مجازاتهای کیفری اکتفا نشود. تجربه‌های مختلف نشان داده‌اند که راهکارهایی مانند خدمات عمومی، مشاوره، آموزش یا برنامه‌های بازپرورانه می‌توانند بسیار مؤثرتر باشند و امکان اصلاح و بازسازی را فراهم کنند. در این پرونده اما هیچ توجهی به این جنبه‌ها نشده است. عدم بررسی توان مالی نوجوان و نادیده گرفتن امکان جای‌گزینی مجازات نقدی با اقدامات حمایتی و تربیتی، نشان‌دهنده کمبود در سازوکارهای موجود است. این موضوع ضرورت بازنگری در نحوه اعمال چنین مجازاتهایی را آشکار می‌کند؛ بازنگری‌ای که باید بر اساس اصول عدالت کیفری و حقوق کودک باشد تا از تحمیل بار ناعادلانه بر خانواده‌ها جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

رای دادگاه اطفال و نوجوانان تهران در خصوص نوجوان افغانستانی، فراتر از یک تصمیم قضایی محدود است و می‌تواند نشانه‌ای روشن از تحول در نگاه نظام عدالت کیفری ایران تلقی شود. این رای نشان داد که حتی در چارچوب قوانین سخت‌گیرانه مربوط به اقامت و تابعیت، می‌توان با تکیه بر اصل مصلحت‌عالیه کودک (ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک) تصمیمی اتخاذ کرد که هم الزامات قانونی داخلی را رعایت کند و هم با تعهدات بین‌المللی ایران همخوانی داشته باشد. پرهیز دادگاه از صدور حکم اخراج یا مجازات‌های تکمیلی سنگین، تجلی توجه به جایگاه انسانی و اجتماعی کودک و تأکید بر اصول عدالت‌ترمیمی است. در شرایطی که بسیاری از نوجوانان مهاجر به دلیل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی کشور مبدأ ناگزیر به مهاجرت غیرقانونی می‌شوند، چنین روی‌کردی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند و می‌تواند الگویی ارزشمند برای آینده نظام قضایی باشد. این رای را می‌توان در پرتو اسناد بین‌المللی نیز بررسی کرد. اجتناب از اخراج کودک، بازتاب عملی اصل مصلحت‌عالیه کودک است که ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک به آن تصریح دارد. همچنین ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را موظف به حمایت ویژه از کودکان می‌کند و اصل منع بازگرداندن در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در خصوص پناهندگان، هرچند ایران نسبت به برخی مفاد آن حق شرط دارد، به‌عنوان قاعده‌ای عرفی بین‌المللی پذیرفته شده است. افزون بر این، قواعد پکن مصوب ۱۹۸۵ سازمان ملل تأکید می‌کند که واکنش به جرایم نوجوانان باید در جهت بازپروری باشد نه صرفاً تنبیه. از این منظر، رای دادگاه اطفال تهران با روح و نص این اسناد بین‌المللی همسوست. بررسی تطبیقی نیز اهمیت این تصمیم را روشن می‌سازد. در آلمان، کودکان مهاجر حتی در صورت نداشتن مدارک اقامتی از حق آموزش و خدمات بهداشتی برخوردارند و نظام قضایی بر آموزش و بازپروری آنان تأکید دارد. در کانادا، اصل «بهترین منفعت کودک» مبنای همه تصمیمات قضایی و اداری است و در مواردی حتی اگر والدین در معرض اخراج باشند، شرایط خاص کودک مورد حمایت قرار می‌گیرد. ترکیه نیز با وجود فشار ناشی از حضور گسترده مهاجران، سیاست‌های حمایتی نسبت به کودکان را در اولویت قرار داده و تأکید می‌کند که آنان نباید قربانی سیاست‌های بازدارنده شوند. این رویه‌ها می‌تواند برای

ایران معیار و تجربه‌ای ارزشمند در جهت اصلاح سیاست‌های حمایتی باشد. با وجود این رأی دادگاه خالی از کاستی نیست. نبود سازوکار مشخص برای تضمین وضعیت اقامت قانونی کودک، فقدان برنامه‌های اجتماعی و حمایتی پس از صدور حکم، و تحمیل جرمه‌های نقدی بدون توجه به شرایط اقتصادی خانواده از جمله نقاط ضعف این تصمیم است که می‌تواند تحقق کامل اصل مصلحت عالی‌ه کودک را به تأخیر اندازد. چنین مواردی نشان می‌دهد که نظام قضایی و اجرایی کشور نیازمند اصلاحات بنیادین و تدوین چارچوب‌های جامع‌تری برای حمایت از کودکان مهاجر است؛ چارچوبی که نه تنها به حل مشکلات فوری بپردازد بلکه آینده زندگی کودک را نیز تضمین کند. در سطح کلان، اگرچه رأی صادرشده کامل و بی‌نقص نیست، اما می‌تواند نقطه عطفی در روند تکامل نظام قضایی ایران باشد. تداوم این روی‌کرد و تقویت آن از رهگذر اصلاح قوانین داخلی، ایجاد نهادهای حمایتی میان‌بخشی با مشارکت دستگاه قضایی، وزارت کشور، آموزش و پرورش و سازمان‌های اجتماعی، و الهام‌گیری از رویه‌های تطبیقی و اسناد بین‌المللی، ایران را در مسیر تبدیل به الگویی منطقه‌ای در زمینه حمایت از حقوق کودکان قرار خواهد داد. این رأی حامل پیامی فراتر از یک تصمیم قضایی است: عدالت در قبال کودکان، فارغ از تابعیت و وضعیت اقامتی آنان، باید بر کرامت انسانی و اصل مصلحت عالی‌ه‌شان استوار باشد. چنین نگاهی علاوه بر تقویت عدالت اجتماعی و قضایی در داخل، می‌تواند جایگاه ایران را در عرصه حقوق بشری بین‌المللی ارتقا دهد و به نقطه عطفی در تاریخ حمایت از حقوق کودک در ایران تبدیل شود.

فهرست منابع

۱. السان، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی منصفانه برای کودکان، حقوق بشر، سال دوم شماره ۴ (پیاپی ۵)، ۱۷۱-۱۸۸.
۲. الهام، غلامحسین؛ منوچهری، مریم (۱۳۹۳)، تخصصی شدن رسیدگی در دادگاههای اطفال در ایران و ایتالیا، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱ شماره ۱، ۳۷-۵۷.
۳. بهبودی، بهرام؛ عارف، محمد (۱۳۹۸)، تشریف رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در مرحله تحقیقات مقدماتی و بعد از آن در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، مجله آراء، دوره ۲ شماره ۱۵، ۲۷-۴۲.
۴. پروین، ابوالفضل؛ حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۴). سیاست جنایی ایران و اردن در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱-۳۲. doi: 10.22034/jclc.2025.2058788.1185
۵. صادقی، سالار؛ صفراورنگی، علی (۱۴۰۰). بررسی آراء خضوری و غیابی صادره از دادگاه اطفال و نوجوانان: رفع ابهامات. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱۲، ۸۲-۹۸. doi: 10.22034/law.2021.534025.109.
۶. عابدینی، عبدالله؛ مشکی‌باف، مهدی (۱۴۰۰)، جایگاه مصلحت در کنوانسیون حقوق کودک و قوانین خانواده ایران، فصلنامه پژوهش حقوق تطبیق اسلام غرب، سال ششم شماره چهارم، ۱۸۵-۲۱۲.
۷. علیپور کیوی، هدی؛ معظمی، شهلا؛ بشیریه، تهمورث (۱۴۰۴). بازشناسی الگوهای نوین پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲۶، ۱۶۵-۱۹۳. doi: 10.22034/ .۱۹۳-۱۶۵
۸. مهرا، نسرين (۱۳۹۹)، افتراقی‌سازی تشریفات دادرسی کودکان و نوجوانان در ایران، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره یازدهم شماره ۴۱، ۵۴-۷۵.
۹. مهدوی ثابت، محمدعلی؛ عبدیان، محمدرضا (۱۳۹۷)، جلوه‌های عدالت ترمیمی در مرحله تعقیب و تحقیقات جرایم اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شماره ۹۵، ۴۷-۶۵.
۱۰. نکونام، وحید (۱۴۰۰)، صلاحیت در امور کیفری، تهران: مجد.

قوانین

۱۱. قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸

۱۲. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۱۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۱۴. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹

۱۵. قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰

References

1. Abedini, Abdollah; Meshkibaf, Mehdi (2021). The Status of the Best Interests in the Convention on the Rights of the Child and Iranian Family Laws. Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law, 6(4), 185-212 (in Persian).
2. Alipour Kivi, Hoda; Moazami, Shahla; Bashiriyeh, Tahmoures (2025). Re-examining Modern Patterns of Responding to Juvenile Delinquency in English Law with a View to Iranian Law. Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 8(26), 165-193 doi: 10.22034/law.2024.2042804.1465 (in Persian).
3. Behboudi, Bahram; Aref, Mohammad (2019). Procedure for Handling Crimes of Children and Adolescents in the Preliminary Investigation Stage and Thereafter under the Criminal Procedure Code of 1392. Ara Journal, 2(15), 27-42 (in Persian).
4. ElSan, Mustafa (2008). Fair Trial for Children. Human Rights, 2(5), 171-188 (in Persian).
5. Elham, Gholamhossein; Manouchehri, Maryam (2014). Specialization of Proceedings in Juvenile Courts in Iran and Italy. Criminal Law and Criminology Studies, 1(1), 37-57 (in Persian).
6. Mehra, Nasrin (2020). Differentiation of Proceedings for Children and Adolescents in Iran. Scientific Quarterly of Police International Studies, 11(41), 54-75 (in Persian).
7. Mahdavi-Sabet, Mohammad Ali; Abdyan, Mohammad Reza (2018). Manifestations of Restorative Justice in the Prosecution and Investigation Stages of Crimes Committed by Children and Adolescents under the Criminal Procedure Code Approved in 1392. No. 95, 47-65 (in Persian).
8. Nekounam, Vahid (2021). Jurisdiction in Criminal Matters. Tehran: Majd (in Persian).

9. Parvin, Abolfazl; Hajidehabadi, Mohammad Ali (2025). Criminal Policy of Iran and Jordan Regarding Juvenile Delinquency. Biannual Journal of Development in Criminal Law and Criminology, 1-32 doi: 10.22034/jclc.2025.2058788.1185 (in Persian).
10. Sadeghi, Salar; Safarourangi, Ali (2021). Examination of In-Person and In-Absentia Judgments Issued by Juvenile Courts: Resolving Ambiguities. Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 4(12), 82-98doi: 10.22034/law.2021.534025.109 (in Persian).
11. Constitution Approved in 1979 (in Persian).
12. Criminal Procedure Code Approved in 2014 (in Persian).
13. Convention on the Rights of the Child 1989(in English).
14. Islamic Penal Code Approved in 2013 (in Persian).
15. Law on the Entry and Residence of Foreign Nationals in Iran Approved in 1931 (in Persian).